

بنیاد اندیشه  
تاسیس ۱۳۹۴



## اتاق‌های فکر و دیپلماسی زیست‌محیطی چین<sup>۱</sup>

سیلویا مینیگزی<sup>۲</sup>

محمد سالم ناجی<sup>۳</sup>

چکیده

این مقاله به دنبال آن است که نقش اتاق‌های فکر را در دیپلماسی زیست‌محیطی چین مورد مطالعه قرار دهد. چین با به‌کارگیری سیاست‌های جدید اقتصادی از اواخر دهه ۱۹۷۰ به صورت معجزه‌آسا رشد کرد. رشد سریع اقتصادی آن کشور توأم با آلودگی هوا و چالش‌های زیست‌محیطی بود. حضور چین در کنفرانس‌های بین‌المللی تغییرات اقلیمی ۲۰۰۹ کپنهاگ، کانکون مکزیکو در ۲۰۱۰ و پاریس ۲۰۱۵ و تأکید آن کشور بر دیپلماسی مسیر دوم در قالب نشست‌های گروه بیست، نشست رهبران همکاری‌های آسیا-پاسیفیک و گفت‌وگوهای اقتصادی آمریکا و چین نشانگر عزم جدی آن کشور در مدیریت تغییرات اقلیمی جهان است.

چین به موازات رشد اقتصادی با به‌کارگیری مفاهیم تمدن بوم‌شناختی و تولید ناخالص داخلی سبز نه تنها به دنبال توسعه پایدار آن کشور است؛ بلکه به دنبال نقش پیش‌تاز در مدیریت اقلیمی جهان است. مهم‌ترین اتاق‌های فکر چین در عرصه زیست‌محیطی عبارتند از انستیتوت امور عامه و محیط‌زیست، مرکز ملی انرژی تجدیدپذیر چین، مرکز مبادله اجتماعی هنگ‌کنگ، بنیاد انرژی چین و انستیتوت محیط‌زیست جهانی<sup>۳</sup>. مرکز پژوهشی انرژی پاک چین-آمریکا و مسیر دوم گفت‌وگوی انرژی چین-آمریکا از مهم‌ترین جلوه‌های درهم‌آمیزی دیپلماسی و محیط‌زیست در چین است.

کلیدواژه‌ها: چین، محیط‌زیست، اتاق‌های فکر، انرژی تجدیدپذیر، دیپلماسی مسیر دوم.

۱. این مقاله برگرفته‌شده (فصل پنجم) از کتاب بازانديشي اتاق‌های فکر در چین معاصر است.  
۲. Silvia Menegazzi مدرس در دانشگاه آمریکایی ژم و پژوهش‌گر در دیپارتمنت علوم سیاسی لوئیس گویدو کارلی، (S.menegazzi@aur.edu)  
۳. نویسنده و پژوهش‌گر (msalimnaji@gmail.com)

## مقدمه

چین طی یک دهه گذشته، به طور خاص، در حوزه دیپلماسی زیست‌محیطی وارد شده است که هدف آن ایجاد یک رژیم بین‌المللی برای مدیریت تغییرات اقلیمی است تا بر اساس استانداردها و منافع چین عمل کند. هرچند در مقایسه با ابعاد دیگر سیاست خارجی و دیپلماتیک، مانند مسائل امنیتی و اقتصادی، نهادهای زیست‌محیطی بین‌المللی در ارائه پالیسی‌ها نقش غالب دارند و جامعه بین‌المللی چین را در حوزه دیپلماسی زیست‌محیطی یک بازیگر مسئول و برجسته تلقی نمی‌کند، چین هنوز بزرگ‌ترین منتشرکننده گازهای گلخانه‌ای است و بزرگ‌ترین مصرف‌کننده کالا و مواد خام در جهان است که این موضوع به معنای آن است که چین بزرگ‌ترین آلاینده در سطح جهان است (Sun, 2016: 43-53).

با وجود این، نباید تلاش‌های چین را در راستای زدودن چالش‌های زیست‌محیطی داخلی و بین‌المللی دست‌کم گرفت. چین اکنون، به طور روزافزون، در طرح راه‌حل‌های جهانی چالش‌های زیست‌محیطی نقش فعال بازی می‌کند که حضور و حمایت چین در موافقت‌نامه پاریس (COP21) دال بر این مدعا است. هرچند چین به صورت گسترده صنعتی شده و به طور روزافزون در مدیریت مسائل زیست‌محیطی مشارکت دارد؛ اما تا هنوز به عنوان یک کشور در حال توسعه باقی مانده است. نتیجه این موضوع این است که چین در مبارزه با تغییرات اقلیمی و چالش‌های زیست‌محیطی یک کشور تازه‌وارد (نابالغ) قلمداد شود. در یک دهه گذشته، دیپلماسی زیست‌محیطی چین دچار تحولات چشم‌گیر شده است؛ به طور مثال: «جو لیکن»، رئیس بانک سرمایه‌گذاری زیرساخت‌های آسیا، هدف خود را حمایت از محیط پاک، ناب و سبز اعلام کرده است. طرح‌های جدیدی که عمدتاً از طرف چین تمویل می‌شوند، اغلباً مورد انتقاد قرار دارند؛ زیرا استانداردهای آن بیش‌تر به اولویت‌های سرمایه‌گذارانه توجه دارد و کم‌تر به فناوری‌های انرژی تجدیدپذیر علاقه‌مندی نشان داده است. با وجود این که چین قاطعانه قصد دارد که قواعد زیست‌محیطی خود را با معیارها و هنجارهای بین‌المللی عیار بسازد؛ اما «کالوین کویک»، از صلح سبز آسیای شرقی، معتقد است که بانک سرمایه‌گذاری زیرساخت‌های آسیا چیزی ندارد که در عرصه تغییرات اقلیمی و انرژی تجدیدپذیر انجام دهد و پروژه‌های تصویب‌شده خود نشانگر

1. Ju Liqun.

2. Calvin Quek.



این موضوع است. اگر سرمایه‌گذاری واقعی توسط این بانک هم صورت گرفته باشد، در عرصه انرژی تجدیدپذیر بسیار محدود است (Liu and Damin, 2017: <https://www.chinadialogue.net>). (article).

قبل از این‌که به نقش خاص چین در حوزه دیپلماسی زیست‌محیطی اشاره کنیم، لازم است بفهمیم که کدام سازمان‌های پالیسی‌پژوه در سطح داخلی و بین‌المللی در حوزه زیست‌محیطی فعالیت می‌کنند. به راستی که محیط‌زیست جهانی از ابعاد چندسطحی (ماهیت جهانی چالش‌های زیست‌محیطی با تأثیرات محلی)؛ چندبازیگری (دولت‌ها، کارشناسان، سازمان‌های زیست‌محیطی و افراد) و چندسکتوری (انرژی، آب و تجارت) برخوردار است (Depuits, 2016).

در چین به تعداد روزافزون انستیتوت‌های پالیسی‌پژوهی در حوزه مسائل زیست‌محیطی مشغول به فعالیت‌اند و اغلباً دست‌کم گرفته می‌شوند. تشکیلات رو به رشد کارشناسان در جمهوری خلق چین متمرکز بر چالش‌های زیست‌محیطی طی دو دهه گذشته، مخصوصاً پس از مشارکت چین در نشست‌های سازمان ملل متحد در مورد تغییرات اقلیمی (UNFCCC) از ۱۹۹۷ به این طرف، ظهور کرده‌اند. یکی از پیامدهای مستقیم این کار این است که امروزه می‌توانیم بینیم که تعدادی از اتاق‌های فکر در حوزه زیست‌محیطی و تغییرات اقلیمی فعالیت دارند. نقش این نهادها بر اساس نیازمندی‌های چین و با توجه به آغاز اصلاحات اقتصادی و توسعه تجاری در اواخر دهه ۱۹۷۰ میلادی تعریف شده است. امروزه، این کشور یکی از آلوده‌ترین هوای جهان را به خود اختصاص داده و هر روز منابع آبی بیش‌تر را آلوده کرده و اقلیم چین را دگرگون می‌کند (Woo, 2009: 81). بر اساس یافته‌های اکونومی، پالیسی‌های زیست‌محیطی و متخصصان سبز چینی می‌توانند روی تغییرات اقلیمی تأثیرات عمده بگذارند؛ به طور مثال: پژوهش‌گران به طور روزافزون به کامپیوترهای پیشرفته با رصد بر گردش مدل‌های جهانی و تجهیزات دیدبانی و نظارت دسترسی پیدا می‌کنند که اطلاعات و داده‌های کارشناسان به درک بهتر و رسیدگی به چالش‌های زیست‌محیطی منجر می‌شود (Economy, 1997: 38). از زمانی که بحث‌ها روی تغییرات اقلیمی در ۱۹۹۷ شروع شد، کارشناسان متوجه ظرفیت جامعه علمی-پژوهشی و پالیسی‌سازی چین شدند که می‌توانند به سوی موضوعات و پژوهش‌های جدید کشیده شوند و کوشش کنند که بر فرایندهای تصمیم‌گیری در این حوزه نفوذ کنند.

در میان انستیتوت‌هایی که در حوزه سیاست خارجی چین فعالیت دارند، تعداد زیاد و



گوناگون اتاق‌های فکر زیست‌محیطی نیز حضور دارند. با این حال، امروزه تحلیل‌های محدود در جامعه کارشناسان سبز چینی وجود دارد. در میان استثناهای انگشت‌شمار، مطالعات وویبک<sup>۱</sup> قرار دارد که روی نقش کارشناسان تغییرات اقلیمی چین و عملکرد متقابل آن‌ها با نخبگان سیاسی پرداخته است. بر اساس استدلال وویبک، برخلاف گذشته، متخصصان امروزی کشور نه تنها در فرایند تصمیم‌گیری مورد استقبال قرار می‌گیرند؛ بلکه کارشناسان روی پژوهش‌های حکومتی، تصمیم‌گیری‌ها، نهادهای مشورتی، گزارش‌های داخلی و تهیه اسناد رسمی تأثیرات عمده دارند؛ اما مشارکت و اهمیت آن‌ها لزوماً به اقدام سیاسی منجر نمی‌شوند (Wubbeke, 2013: 728).

برخلاف تحلیل‌های گذشته، تأکید «وویبک» روی سازمان‌های پالیسی‌پژوه و اتاق‌های فکر زیست‌محیطی است که طی سال‌های اخیر رشد یافته‌اند. او به طور خاص این سازمان‌ها را طبقه‌بندی کرده است که شامل سازمان‌های پژوهشی دولتی و انستیتوت‌های وابسته به دانشگاه‌ها هستند. به طور خاص، سازمان‌های پژوهشی را که وی خاطر نشان کرده است، شامل موارد ذیل‌اند: انستیتوت پژوهشی انرژی<sup>۲</sup> (زیر نظر شورای توسعه پژوهش ملی<sup>۳</sup>)، مرکز ملی استراتژی تغییرات اقلیمی و همکاری‌های بین‌المللی<sup>۴</sup> (زیر نظر شورای توسعه پژوهش ملی)، مرکز پژوهش توسعه پایدار و آکادمی علوم اجتماعی چین<sup>۵</sup> و مرکز توسعه شورای دولت<sup>۶</sup> هرچند که به طور مستقیم درگیر مسئله تغییرات اقلیمی نیست. به همین ترتیب، انستیتوت‌های مرتبط به دانشگاه‌ها قابل یادآوری است: آزمایشگاه کاربن محدود تسینگهوا<sup>۷</sup> و مرکز پالیسی پژوهی اقتصادی و زیست‌محیطی<sup>۸</sup> (Wubbeke, 2013). در درون چنین چارچوب هیچ توجهی به سوی اتاق‌های فکر زیست‌محیطی غیر حکومتی چین معطوف نشده است و اگر توجه هم صورت گرفته، بسیار محدود بوده است.

به تاسی از چارچوب‌های نظری گذشته که متمرکز بر مسائل زیست‌محیطی و معرفتی بودند، استدلال‌های هاس (۱۹۹۲) در تحلیل‌های نظری و کاربردی پژوهشی در مورد اتاق‌های فکر

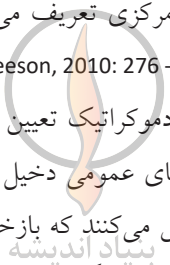
1. Wubbeke.
2. Energy Research Institute (ERI).
3. National Research Development Council (NDRC).
4. National Center for Climate Change Strategy and International Cooperation (NCSC).
5. China Academy of Social Science (CASS).
6. Development Research Center for the State Council.
7. Tsinghua Low Carbon Laboratory.
8. Policy Research Center for Environment and Economy (PRCEE).



چین، مخصوصاً برقراری رابطه کارکردی میان نهادهای سیاسی و اتاق‌های فکر در این مقاله به کار گرفته شده است. یا به عبارت واضح‌تر، این رهیافت دربردارنده این نظریه است که پیکربندی و بازتاب رژیم دانش در کشوری مبتنی بر نهادهای سیاسی و اقتصادی همان کشور است (Campbell and Pederson, 2010: 171).

در این مقاله برخلاف این دورنما، روی این موضوع بحث صورت می‌گیرد که چگونه روایت‌های سیاسی، استراتژی‌ها و پاسخ‌گویی رو به رشد رژیم‌های دانش چین در زمینه‌های زیست‌محیطی بین‌المللی و دیپلماسی بازتاب پیدا می‌کند و در سطح وسیعی، محیط‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی چین نقش تعیین‌کننده دارند.

باور عمومی بر این است که نبود اختیارات سیاسی، مشروعیت و پاسخ‌گویی باعث به تحلیل‌رفتن پژوهش‌های پالیسی‌محور می‌شود؛ زیرا این امر ناشی از رابطه اتاق‌های فکر با رژیم سیاسی است. عین دیدگاه در مورد اتاق‌های فکری است که در حوزه محیط‌زیست و تغییرات اقلیمی فعالیت دارند؛ به طور مثال: تحلیل‌های زیست‌محیطی چین اغلباً تحت چارچوب محیط‌زیست‌گرایی اقتدارگرایانه صورت می‌گیرد. از دید «بیسون»، این چارچوب با دو محدودیت اساسی روبه‌رو است: اول، آزادی فردی وجود ندارد و افراد نمی‌توانند در قالب رفتار باثبات عمل نمایند؛ بلکه باید رفتار خود را در هم‌سویی با پالیسی حکومت تنظیم نمایند. دوم، فرایندهای پالیسی‌سازی توسط حکومت مرکزی تعریف می‌شود و برای بازیگران اجتماعی و نمایندگان آن‌ها نقشی قائل نمی‌شود (Beeson, 2010: 276 - 289). با این دلیل، محیط‌زیست‌گرایی اقتدارگرایانه برخلاف محیط‌زیست‌گرایی دموکراتیک تعیین می‌کند که صرفاً کارگزاران اجرایی این قابلیت را دارند که در تعیین پالیسی‌های عمومی دخیل باشند که در آن نخبگان شایسته و عاری از فساد حضور داشته باشند و تلاش می‌کنند که بازخورد شرایط زیست‌محیطی را بهبود بخشند. مشارکت عمومی در کادر علمی و نخبگان فن‌سالار محدود است و مشارکت آن‌ها زمانی امکان‌پذیر است که دولت در راستای تطبیق پالیسی‌ها مردم را به مشارکت وادارد (Gilley, 2012: 228). در مسئله چین، «گیلی» بدون شک و تردید بر آن است که جمهوری خلق چین با پیشینه درازمدت اقتدارگرایی، در زمینه تطبیق پالیسی‌های زیست‌محیطی از رویکرد غیر مشارکتی



استفاده کرده است.

برخلاف رویکرد گیلی، فرضیه این مقاله این است که اتاق‌های فکر زیست‌محیطی به عنوان بازیگران علمی قادر هستند که در شکل‌دهی و نظام‌مندی و هم‌چنان تأثیرگذاری بر نخبگان سیاسی و مناظرات مرتبط به نگرانی‌های دیپلماسی زیست‌محیطی چین نقش تعیین‌کننده داشته باشند. این مقاله طوری سازمان‌دهی شده است که در بخش‌های بعدی موارد ذیل مورد بررسی قرار می‌گیرد: اول، مشارکت چین در سناریوی تغییرات اقلیمی جهان و بحث در مورد عمده‌ترین نگرانی‌های دیپلماسی زیست‌محیطی چین. در قدم بعدی، مرور کلی بر مهم‌ترین اتاق‌های فکر زیست‌محیطی چین. در مرحله بعدی، تحلیل‌های دیپلماسی زیست‌محیطی چین در جنوب شرق آسیا و به همین ترتیب شبکه‌سازی و فعالیت‌های دیپلماسی مسیر دوم در تغییرات اقلیمی جهان مورد بررسی قرار می‌گیرد که در ذیل به آن‌ها پرداخته می‌شود.

## ۱. مشارکت چین در ایجاد مکانیسم مبارزه با تغییرات اقلیمی جهان؛ با رهبری دولت یا از پایین به بالا؟

از اواسط دهه ۱۹۹۰ میلادی به بعد، حکومت چین به نشر گزارش دولتی در مورد مسائل زیست‌محیطی و چالش‌های آن پرداخته است. اولین شماره آن در ۱۹۹۶ تحت عنوان حمایت از محیط‌زیست چین به نشر رسید. این اسناد در نوع خود به طور خاص یک نوآوری و ابتکار بود که چین حمایت از محیط‌زیست را به عنوان اساس سیاست‌گذاری ملی خود تلقی نمود. گزارش‌نامه دوم به محیط‌زیست و توسعه پایدار در منطقه خودمختار تبت اختصاص یافته بود که تحت عنوان توسعه بوم‌شناسی و حمایت از محیط‌زیست تبت در سال ۲۰۰۳ به نشر رسید. سومین گزارش تحت عنوان حمایت از محیط‌زیست چین (۲۰۰۵-۱۹۹۶) در سال ۲۰۰۶ به نشر رسید. اسناد و مدارک بعدی حاوی این موضوع بود که از زمان تأسیس جمهوری خلق چین در ۱۹۴۹، کنگره ملی خلق و کمیته‌های دائمی آن میان سال‌های ۱۹۹۶ الی ۲۰۰۵، نه قانون را در حمایت از محیط‌زیست و پانزده قانون را در حمایت از منابع طبیعی به تصویب رسانیده است (گزارش‌نامه ۲۰۰۶، حمایت از محیط‌زیست چین در ۱۹۹۶ الی ۲۰۰۵). گزارش‌نامه‌هایی که از سال ۲۰۱۱ به بعد توسط حکومت منتشر شده‌اند، روی ابعاد بین‌المللی مسائل زیست‌محیطی، مخصوصاً نقش چین در ایجاد هنجارهای زیست‌محیطی بین‌المللی و مشارکت جامعه چین در



این راستا، متمرکز بوده است.

مدارک سیاست‌گذاری‌ها و اقدامات چین در ۲۰۱۱ در مبارزه با تغییرات اقلیمی نشانگر این موضوع بود که در قدم اول باید روی این مسائل اساسی تأکید شود: حمایت از اقدامات فعال سازمان‌های غیر حکومتی و مشارکت در گفت‌وگوهای بین‌المللی در چارچوب سازمان ملل متحد. این مدارک آشکار نمود که پیش از آن جمهوری خلق چین در گفت‌وگوهای اساسی بین‌المللی مشارکت فعال نداشته است. کنفرانس تغییرات اقلیمی کپنهاگ (۲۰۰۹)، کنفرانس کانکون-مکسیکو (۲۰۱۰) و به همین ترتیب در اقدامات دیپلماتیک چندجانبه (برازیل، آفریقای جنوبی، هند و چین) و کشورهای اروپایی نشانگر این موضوع است. پس از سال ۲۰۱۱ حکومت از طریق به‌روزرسانی گزارش‌نامه‌های قبلی نقش‌هایی را که توسط جامعه مدنی در مورد مسائل زیست‌محیطی بازی شده بود، بیان نمود و به طور مشخص برخی سازمان‌های مدنی چین به طور خاص انجمن صنعتی انرژی تجدیدپذیر، انجمن حمایت از محیط‌زیست چین، بنیاد کاربن سبز چین و صندوق بین‌المللی برای طبیعت مورد تمجید قرار گرفته بودند؛ بنابراین، مشارکت فعلی چین را می‌توان در چارچوب سازمان‌های بین‌المللی فعال قلمداد نمود. امروزه، چین قویاً از این دیدگاه حمایت می‌کند که دولت‌های توسعه‌یافته در حل چالش‌های اقلیمی باید نقش پیشرو بازی نمایند و از طرف دیگر از این نظریه حمایت می‌کند که باید کشورهای در حال توسعه در ایجاد رژیم‌های بین‌المللی در مبارزه با تغییرات اقلیمی حضور داشته باشند. آخرین گزارش‌نامه با محوریت نگرانی از تغییرات اقلیمی و زیست‌محیطی در سال ۲۰۱۳ به نشر رسید. اکنون چین در سازمان‌های بین‌المللی در چارچوب سازمان ملل متحد نقش سازنده بازی می‌کند. مشارکت چین در سطوح عالی‌گفت‌وگوهای دیپلماتیک، به‌کارگیری دیپلماسی مسیر دوم مانند نشست رهبران گروه بیست، نشست رهبران همکاری‌های اقتصادی آسیا-پاسفیک و گفت‌وگوهای اقتصادی و راهبردی آمریکا-چین دال بر این مدعا هستند. با وجود تلاش‌های متعدد چین در جهت مشارکت در فراهم‌سازی سازوکارهای نظارتی بر تغییرات اقلیمی جهان، ظرفیت چین معمولاً به خاطر اقدامات اقتصادی آن کشور در داخل و خارج با محدودیت‌هایی روبه‌رو بوده است. به طور روزافزون، در دو دهه گذشته پیشرفت‌ها در حوزه محیط‌زیست چشم‌گیر بوده است. این پیشرفت‌ها ناشی از درک چین از مشکلات زیست‌محیطی و برقراری موفقانه توازن میان صنعتی‌سازی سبز و ثبات اجتماعی بوده است. چین به عنوان بزرگ‌ترین منتشرکننده گازهای





گلخانه‌ای وقتی به صورت فعال در مبارزه با تغییرات اقلیمی سهم می‌شود، معنایش آن است که این موضوع برای توسعه پایدار و رشد اقتصادی چین حیاتی است. به طور مثال: چین از ۱۹۹۰ به بعد، به طور سالانه، به طور مستقیم، از ناحیه تحولات سریع اقلیمی به طور میانگین ۲۰۰ میلیون یوان ضرر اقتصادی متحمل شده است (Wang, 2014: <https://www.chinadialogue.net>). رسیدگی به خرابی‌های ناشی از تغییرات اقلیمی و خلق امیدواری چین برای داشتن تمدن بوم‌شناختی عین معنا را افاده می‌کند.

برای اولین بار، «هوچین تاو» مفهوم تمدن بوم‌شناختی را برای مطالعه کادرهای ایالتی و وزارتخانه‌ها در سال ۲۰۰۷ مطرح کرد. این مفهوم چیزی تازه‌ای نبود؛ بلکه مسائل زیست‌محیطی را در قالب زبان حزبی بیان می‌کرد. «وین جیاباو» مفهوم تولید ناخالص داخلی سبز را مطرح کرد؛ چیزی که از سلف او «جیانگ زمین ۳» در قالب (جامعه آسوده-مرفه) به عاریت گرفته شده بود. بر اساس آن عمده‌ترین موضوعات زیست‌محیطی در ذیل تقویت فعالیت‌های توسعه پایدار، بهبود بخشیدن محیط‌زیست، افزایش در مؤثریت منابع، حمایت از توازن و همگونی میان جامعه انسانی و طبیعت، قرار دادن جامعه در مسیر توسعه تولیدات، ثروت و یاری با محیط‌زیست مورد رسیدگی قرار می‌گرفت (Meng, 2012: <https://www.chinadialogue.net>). با وجود این، برخی رسانه‌های چین در ورای این مفهوم چنین تبلیغاتی مطرح کرده بودند:

این سکه‌ای نیست که حزب در قالب سوسیالیسم با ویژگی‌های چینی آن ضرب زده باشد؛ بلکه رهنمود آینده‌نگر مبتنی بر درک پرداخت هزینه‌های سنگین بابت معجزه‌های اقتصادی ما است. این مفهوم بازتاب‌دهنده تغییر مهم در برداشت حزب از توسعه است. در گذشته محور توسعه از دیدگاه حزب تأکید بر اقدامات اقتصادی بود؛ اما اکنون مقامات حزبی به واقعیت توسعه پی برده‌اند که اگر خواهان جامعه پایدار و باثبات هستیم، باید رابطه انسان و طبیعت را نیز در میان عناصر توسعه شامل بدانیم (<http://www.chinadaily.com>).

1. Hu Jintao.
2. Wen Jiabao.
3. Jiang Zemin.



## ۲. جامعه مدنی و مکانیسم نظارتی محیط‌زیست

یکی از ویژگی‌های جامعه دموکراتیک این است که بخش عمده ادبیات جامعه مدنی و نحوه مواجهه با مسائل زیست‌محیطی مربوط به بازیگران غیر دولتی می‌شود. در این اواخر، سازمان‌های زیست‌محیطی غیر حکومتی نه تنها در رژیم‌های اقتدارگرا رو به فزونی نهاده است؛ بلکه نقش و استراتژی‌های آن‌ها در رژیم‌های تک‌حزبی، سلطنتی، نظامی و دیکتاتوری‌های فردی متفاوت است (Bohmelt, 2014: 446-471). با آغاز هزاره جدید، نهادهای مدنی زیست‌محیطی در چین به صورت موفقانه به فعالیت آغاز کردند. امروزه، برخی از پژوهش‌گران بر این باورند که این نهادها در مقایسه با سایر سازمان‌های مدنی که در بخش‌های دیگر از جمله حقوق بشر فعالیت دارند، در امر ایجاد مکانیسم‌های مدیریتی زیست‌محیطی موفقیت به دست آورده‌اند.

با در نظر داشت این موضوع، باید اتحادیه سبز داوطلبان چونگ‌کینگ چین<sup>۱</sup> را به عنوان مطالعه موردی در نظر بگیریم. این اتحادیه یک سازمان غیر حکومتی زیست‌محیطی است که هدف عمده خود را به حمایت از محیط‌زیست و توسعه پایدار در ناحیه علیای دریای یانگ‌تسه در ایالت سیچوان، چین مرکزی، اختصاص داده است. اتحادیه سبز داوطلبان چونگ‌کینگ چین به عنوان اولین سازمان غیر حکومتی معروف است که بازمینی اداری را در جهت حمایت از محیط‌زیست و منافع عمومی روی دست گرفته است. این قضیه در سال ۲۰۱۰ زمانی بروز پیدا کرد که وزارت حمایت از محیط‌زیست کار اعمار دو بند برق آبی (لودیلا و لانگ کایکوک<sup>۲</sup>) را به حالت تعلیق درآورد؛ زیرا در فرایند ارزیابی تأثیرات زیست‌محیطی این پروژه‌ها، برخی اقدامات خلاف قانون صورت گرفته بود. اسناد و مدارکی را که از سوی کمیسیون توسعه و اصلاحات ملی ارائه شده بود و هم‌چنان برگزاری نشست‌های مقامات حکومتی و دیپارتمنت‌های وزارت حمایت از محیط‌زیست در اواخر جولای و اوایل آگوست نتوانستند قناعت کارکنان اتحادیه سبز داوطلبان چونگ‌کینگ چین را فراهم نمایند (Yang, 2011: 100). در سال ۲۰۰۹، «وو دینگ‌مینگ<sup>۳</sup>»، رئیس اتحادیه سبز داوطلبان چونگ‌کینگ، موضوع را به صورت رسمی به دادگاه دریایی ووهان ارائه نمود. بر اساس قانون ارزیابی پیامدهای زیست‌محیطی، هیچ‌یک از واحدهای اداری حق ندارد که نگرانی‌های زیست‌محیطی را در اعمار بندهای برق آبی نادیده بگیرند. این سازمان

1. China Chongqing Green Volunteers Union.
2. Ludyla and Longkaikou.
3. Wu Dengming.



غیر حکومتی بر آن بود که باید تمامی فعالیت‌های ساختمانی به طور همزمان قابل دسترس و مشاهده باشد. این امر باعث می‌شد که شرکت‌ها باید تجهیزات بیش‌تر خدماتی را پس از ارزیابی تأثیرات زیست‌محیطی، بر کارهای‌شان بیفزایند (Yang, 2011). در قوانین چین در مورد حمایت از محیط‌زیست، یک بخش عمده به مقررۀ ارزیابی تأثیرات زیست‌محیطی، اختصاص یافته است. طی یک دههٔ گذشته، جامعهٔ مدنی در امر فرایند قانون‌گذاری زیست‌محیطی نقش برجسته به دست آورده است؛ به طور مثال: در جریان بازبینی قانون حمایت از محیط‌زیست، دو جناح متفاوت درگیر این مسئله بود. واحدهای حکومتی مانند وزارت حمایت از محیط‌زیست، هیأت‌های ایالتی و محلی حمایت از محیط‌زیست در یک طرف قرار داشتند؛ در حالی که سازمان‌های غیر حکومتی زیست‌محیطی و کارشناسان حقوقی خواهان تغییرات عمده در بازبینی قانون حمایت از محیط‌زیست بودند (Zhang et a. 2013: 1029-1035). در چین بازیگران متعددی در موضوعات مدیریتی زیست‌محیطی دخیل هستند. بسیاری از آن‌ها باهم منافع مشترک ندارند. در حالی که رهبران پکن متعهد شده‌اند که به بحران‌های زیست‌محیطی رسیدگی نمایند، رهبران محلی که مسئول تفسیر و تطبیق این پالیسی‌ها هستند، نگاه کوتاه‌بینانه دارند و بر آن هستند که رشد ادامه پیدا کند ولو به هر قیمتی باشد؛ حتی اگر به از دست رفتن منابع ارزشمند و توسعهٔ پایدار منجر شود (Eaton and Kostka, 2014: 360).

علاوه بر این‌ها، سازمان‌هایی که در عرصهٔ پالیسی‌پژوهی زیست‌محیطی فعالیت دارند، ناهمگون، چندسطحی و چندسکتوری هستند. این نهادها شامل بنگاه‌های اقتصادی زنجیره‌ای، سازمان‌های غیر حکومتی زیست‌محیطی، سازمان‌های حکومتی، انستیتوت‌های پژوهشی دانشگاهی و واحدهای تحقیقاتی حزبی-دولتی هستند که در نتیجهٔ آن میان کادرهای محلی و رهبران ملی بر سر پالیسی‌سازی و اجرایی کردن آن‌ها اختلاف نظر به وجود می‌آید و این اختلافات در تمامی سطوح میان سازمان‌های غیر حکومتی، وزارتخانه‌ها، حکومت محلی و شرکت‌های بین‌المللی وجود دارد.

از دید «یی بی لو»، گروه‌های فعال در عرصهٔ محیط‌زیست می‌توانند در چین بر متحدان کلیدی مانند سکتور رسانه اتکا نمایند؛ زیرا برخی از معروف‌ترین چهره‌های فعال در عرصهٔ زیست‌محیطی ژورنالیست‌ها هستند. به همین ترتیب، کسانی که در درون حکومت قویاً

1. Yiyi Lu.



متعهد به حل چالش‌های زیست‌محیطی هستند (Lu, 2007: 59-69). سازمان‌های زیست‌محیطی غیر حکومتی در چین را می‌توان با دو روش به دسته‌های مختلف تقسیم نمود. عده‌ای از آن‌ها با حکومت همکاری می‌کنند؛ در حالی که بقیه آن‌ها در جناح مخالف قرار دارند. روش دیگر تقسیم‌بندی بر اساس مهارت‌ها و شایستگی فنی آن‌ها در تحلیل‌های پژوهشی مرتبط به نگرانی‌های زیست‌محیطی است (Lu, 2007: 62). این تقسیم‌بندی آخری می‌تواند در فهم ما راجع به نقش روزافزون اتاق‌های فکر زیست‌محیطی چین معاصر مؤثر واقع شود. نسل جدید اتاق‌های فکر که از نیمه دوم دهه ۲۰۰۰ به بعد تأسیس شده‌اند، شکل‌دهنده نحوه فعالیت‌های پژوهشی و گفتمان‌های سیاسی هستند که جایگاه چین را در سیاست زیست‌محیطی چین و فعالیت‌های دیپلماسی مسیر دوم تعریف می‌کنند. با در نظر داشت این سناریو، سازمان‌های پالیسی‌ساز موجد دانش در عرصه مدیریت مسائل زیست‌محیطی جهان و دیپلماسی هستند که اغلباً به خاطر ویژگی‌های خود با سازمان‌های زیست‌محیطی غیر حکومتی و نهادهای جامعه مدنی شبیه گرفته می‌شوند.

### ۳. اتاق‌های فکر زیست‌محیطی در چین

با توجه به این‌که تعداد دقیق و با جزئیات کامل اتاق‌های فکر و سازمان‌های مدنی مرتبط به محیط‌زیست در چین در اختیار ما قرار ندارد (از متن مصاحبه ژو شوفینگ<sup>۱</sup> با نویسنده در اکتبر ۲۰۱۳)، از این‌رو ارائه لیست مکمل تمامی اتاق‌های فکر مرتبط به مدیریت زیست‌محیطی و دیپلماسی چین خارج از حوزه بررسی این مقاله است. از آغاز سال ۲۰۰۷ به این طرف، چین یک چارچوب ملی رسیدگی به چالش‌های اقلیمی و مدیریت زیست‌محیطی را توسعه بخشیده است و امروزه این نظام به کار خود ادامه می‌دهد و سریعاً در حال رشد و تکوین است (Li, 2013: 413-427). در نتیجه، این کار باعث شده است که کارشناسان و چهره‌های دانشگاهی به نخبگان سیاسی در امر پالیسی‌سازی برای مقابله با چالش‌های زیست‌محیطی مشورت بدهند. برخی مقامات و سیاست‌مداران چینی در مورد چالش‌های زیست‌محیطی دانش‌اندک دارند و برخی دیگر خطرات ناشی از تغییرات اقلیمی را نادیده می‌گیرند و از همین رو حکومت مجبور است که به متخصصان و کارشناسان بیرونی روی بیاورد (Wubbeke, 2013). در عین زمان محیط‌زیست و تغییرات اقلیمی در درون جامعه مدنی چین به عنوان یک موضوع فعال مطرح بوده است.

1. Zhu Xufeng.



در مورد مطالعه مدیریت اقلیمی در چین رهیافت دوگانه وجود دارد. در رهیافت اول محیط‌زیست‌گرایان اجتماعی توسط پژوهش‌گران به عنوان یک بازیگر کلیدی در نظر گرفته می‌شوند که هدف آن‌ها فشار وارد کردن بر حکومت است تا در قبال چالش‌های زیست‌محیطی بی‌تفاوت نباشد. بر اساس این رهیافت، این بازیگران شامل سازمان‌های غیر حکومتی هستند که ریشه اجتماعی دارند و رویکرد از پایین به بالا دارند. رهیافت دوم، رویکرد نهادی است که بر اساس آن دولت در رأس قرار می‌گیرد و پژوهش‌گران به نمایندگی از چین در نشست‌ها و مجامع بین‌المللی مشارکت دارند؛ اما تأثیرگذاری این کارشناسان حداقلی و ناچیز تلقی می‌شود؛ از این رو، هدف این مقاله این است که بتواند رهیافت تلفیقی (کارشناسان و نهادها) را در مورد مدیریت اقلیمی به کار بگیرد؛ از یک طرف برخی سازمان‌های پالیسی‌پژوه را نمی‌توان صرفاً جامعه مدنی یا اتاق فکر تعریف کرد و از سوی دیگر سازمان‌های پالیسی‌پژوه یا سازمان‌های موجد دانش باعث شده است که آگاهی و دانش در مورد چالش‌های زیست‌محیطی و تغییرات اقلیمی گسترش پیدا نماید. این گسترش آگاهی در نتیجه اقدامات چین در عرصه بین‌المللی، چارچوب‌های دوجانبه، نشست‌های فراملی و فعالیت‌های دیپلماسی مسیر دوم بوده است.

اتاق‌های فکر سبز چین گونه‌های مختلف دارد. برخی از آن‌ها به طور کامل توسط دولت رهبری می‌شود و از این رو به عنوان بدنه رسمی حکومت ایجاد شده است؛ مانند آژانس بین‌المللی انرژی. برخی دیگر خود را سازمان‌های غیر حکومتی و غیر انتفاعی تعریف می‌کنند؛ مانند انستیتوت محیط‌زیست جهانی؛ اما فعالیت‌های پژوهشی و نقش آن‌ها شبیه کارکردهای اتاق‌های فکر هستند. برخی دیگر در میان این دو دسته قرار می‌گیرند که خود را سازمان‌های غیر حکومتی می‌خوانند؛ اما کارکردهای آن مانند اتاق‌های فکر دولتی هستند؛ زیرا تمامی آن‌ها به واحدها و بخش‌های حکومتی مرتبط هستند؛ مانند انستیتوت امور عمومی و محیط‌زیست در پکن. آنچه در میان همه آن‌ها مشترک است و به سادگی می‌توان آن را دید، این است که موضوع پژوهشی آن‌ها نسبت به یکدیگر فرق می‌کند؛ زیرا هر کدام بر اساس نفوذ و زمینه‌های سیاسی و اجتماعی که در آن قرار دارند، فعالیت می‌کنند.

از دید «شرویدر»، میان نهادهای جامعه مدنی و اتاق‌های فکر که در حوزه مدیریت زیست‌محیطی فعالیت می‌کنند، دو تفاوت وجود دارد: در قدم نخست، این یک واقعیت است

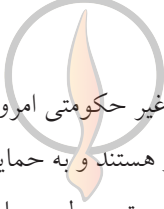
1. Schroeder.



که سازمان‌های مدنی اکثراً فاقد کارشناسان فنی و تخنیکی هستند تا بتوانند در گفت‌وگوهای کارشناسان در مورد پالیسی‌های نوآورانه سهمی باشند. مسئله دوم بحث مشروعیت و نمایندگی است. اکثر این سازمان‌ها نمی‌توانند به خوبی از جامعه مدنی چین نمایندگی کنند؛ زیرا اعضای آن‌ها مانند اتاق‌های فکر اکثراً متعلق به نخبگان اجتماعی و حلقه‌های سیاسی هستند (Schroeder, 2015: 107). با وجود این، شرویدر در مورد اتاق‌های فکر زیست‌محیطی چین نگاه تردیدآمیز دارد. از دید وی، این نهادها و اتاق‌های فکر هم‌سطح اتاق‌های فکر اقتصادی مانند انستیتوت اقتصادیات یونیورول و روابط بین‌الملل مانند انستیتوت چین و جهان که هر دو در ۱۹۹۳ اساس‌گذاری شدند، نیستند و به اندازه آن‌ها از اهمیت برخوردار نیستند (Schroeder, 2015: 107).

این انتقادات در مورد نقش اتاق‌های فکر و سازمان‌هایی که در عرصه زیست‌محیطی فعالیت می‌کنند، صدق می‌کند؛ اما بیش‌تر متوجه اتاق‌های فکر غیر حکومتی هستند. این یک واقعیت است که اتاق‌های فکر مرتبط به محیط‌زیست در مقایسه با اتاق‌های فکر که در دیگر حوزه‌های فعالیت می‌کنند، تازه‌تأسیس و کم‌تر توسعه‌یافته هستند و در سال‌های اخیر برخی از این اتاق‌های فکر زیست‌محیطی در چین تأسیس شده‌اند. مبادلات اجتماعی هنگ‌کنگ و انستیتوت محیط‌زیست جهانی پکن از این نمونه‌ها هستند که قبلاً در این حوزه به منابع مهمی تبدیل شده بودند. هنوز هم در مورد خصوصیات اتاق‌های فکر رو به توسعه چین برخی ابهاماتی وجود دارد. به طور عمده پنج ویژگی در مورد اتاق‌های فکر غیر حکومتی چین وجود دارد که برخی آن‌ها مثبت و برخی دیگر منفی هستند.

یکی از ویژگی‌های مثبت اتاق‌های فکر غیر حکومتی امروزی چین این است که در مقایسه با گذشته از اعتبار و استقلال بیش‌تر برخوردار هستند و به حمایت مالی افراد برجسته متکی نیستند. این‌ها برخلاف انستیتوت امور عمومی و زیست‌محیطی و ما جون<sup>۱</sup> هستند؛ ولی از ماهیت اصلی خود به عنوان اتاق‌های فکر واقعی، منحرف شده‌اند؛ در قدم دوم، با وجود این‌که تعداد این‌ها به صدها رسیده است؛ اما هنوز ماهیت حاشیه‌ای دارند. سوم، ماهیت این‌ها از خدمات‌محوری به سوی پالیسی‌پژوهی دچار دگردیسی شده‌اند. چهارمی، ضمانتی وجود ندارد که صدای این‌ها در فرایند تصمیم‌گیری توسط نهادهای دولتی یا غیر دولتی شنیده شود. در قدم پنجم، این‌ها به طور مداوم با چالش‌های حقوقی - قانونی روبه‌رو هستند که در برخی حالات بعضی سازمان‌ها



بنیاد آندپسبه



به عنوان نهادهای تجاری و سرمایه‌گذاری ثبت شده‌اند؛ اما در عمل سازمان‌های غیر حکومتی هستند که این موضوع نشانگر اوضاع بحرانی سکتورهای غیر حکومتی در چین است (Jia, 2011: 53-70). از دهه ۲۰۰۰ به بعد، اتاق‌های فکر زیست‌محیطی به لحاظ عددی افزایش یافته‌اند و نسبت به گذشته از نفوذ و تنوع بیش‌تری برخوردارند. با توجه به این دلایل، تحلیل کارکرد آن‌ها مستلزم توجه و زمان بیش‌تر است؛ چیزی که قبلاً در سایر سازمان‌های پالیسی‌پژوهی در دیگر حوزه‌ها مانند روابط بین‌الملل یا اقتصاد در نظر گرفته می‌شد.

### ۳-۱. انستیتوت امور عامه و محیط‌زیست

انستیتوت امور عامه و محیط‌زیست در پکن بنا شده است. انستیتوت امور عامه و محیط‌زیست به عنوان نهاد غیر انتفاعی و به لحاظ حقوقی به عنوان یک سازمان غیر حکومتی ثبت شده است. از زمانی که این نهاد در سال ۲۰۰۶ تأسیس شد، مهم‌ترین هدف آن گسترش آگاهی در مورد نگرانی‌های زیست‌محیطی و فهم جامعه چین از خطرات تغییرات اقلیمی و در عین حال مشارکت گسترده مردم در مدیریت اقلیمی خوانده شده است. این نهاد عضو اتحاد انتخاب سبز، ائتلافی از سازمان‌های غیر حکومتی، است که هدف آن حمایت از زنجیره غذایی سبز جهان و متمرکزسازی تلاش‌ها در راستای حمایت از محیط‌زیست و منابع تولیدی آن است. انستیتوت امور عامه و محیط‌زیست طی چند سال بسیار معروف شد؛ زیرا تلاش‌های آن باعث گسترش آگاهی شهروندان در مورد اقدامات زیست‌محیطی حکومت و پالیسی‌های آن در باب تغییرات اقلیمی شد که تمرکز آن روی آلودگی هوا و توسعه نقشه داده‌نگار آلودگی چین بود.

در سال ۲۰۱۰، انستیتوت امور عامه و محیط‌زیست گزارشی را تحت عنوان شاخصه شفافیت اطلاعاتی در مورد کیفیت هوا به نشر رسانید که در حقیقت نخستین ارزیابی آلودگی هوا در بیست شهر چین بود. وقتی این گزارش به نشر رسید، معلوم شد که در حدود پنجاه شرکت ملی و بین‌المللی قوانین چین را در مورد آب و هوا نقض کرده‌اند و آن‌ها مجبور شدند که اقدامات تصحیح‌کننده‌ای را در مورد معیارهای زیستی محیطی مطابق دیدگاه انستیتوت امور عامه و محیط‌زیست در پیش بگیرند. برخی‌ها معتقدند که انستیتوت امور عامه و محیط‌زیست جدا از فعالیت‌های پالیسی‌پژوهی خود، موفقیت‌های خود را مدیون ما جون، بنیان‌گذار این نهاد است. ما جون یک ژورنالیست چینی است که در چین و خارج از آن به عنوان یک محیط‌زیست‌گرا مشهور است. او به صورت رسمی از اعانه‌دهندگان رسانه‌های مختلف خارجی مانند چاپنا دیالوگ و



ساوت چاینا مورنینگ پُست (<http://www.scmp.com>) است. در سال ۲۰۰۶، مجلهٔ تایم اسم او را در میان یک‌صد چهرهٔ پرنفوذ جهان قرار داد. او در یک مصاحبه در مورد نوآوری بین‌المللی گفته بود که یکی از مهم‌ترین دلایلی که باعث شد وی این انستیتوت را راه‌اندازی نماید، نبود دانش و آگاهی مشخص در مورد نگرانی‌های زیست‌محیطی مخصوصاً آلودگی آب و هوا در چین بود. انستیتوت امور عامه و محیط‌زیست به عنوان یک سازمان تولیدکنندهٔ دانش زیست‌محیطی، نقش قوی را در آگاه‌سازی چین در مورد تخریب محیط‌زیست بازی نمود و در عین حال برای عموم فهماند که بازیگران غیر حکومتی هم می‌توانند از قابلیت تولید دانش - علمی در مورد محیط‌زیست برخوردار باشند. این نهاد از یک سو کارکردهای خود را در امتداد فعالیت‌های سایر اتاق‌های فکر قرار داده بود؛ زیرا آن‌ها شواهد و مدارک فنی را که برای مشروعیت در حوزهٔ پالیسی لازم بود، فراهم می‌نمودند و از سوی دیگر رابطهٔ بسیار نزدیک با واحدهای حکومتی مانند وزارت حمایت از محیط‌زیست برقرار کرده بود. انستیتوت امور عامه و محیط‌زیست به طور مرتب با پژوهش‌گران بین‌المللی مشارکت داشته است. به طور مثال: با شورای دفاعی منابعی طبیعی در سال ۲۰۱۴ و ۲۰۱۵ شاخصهٔ توسعه شفافیت آلودگی را راه‌اندازی نمود.

### ۲-۳. مرکز ملی انرژی تجدیدپذیر چین

مرکز ملی انرژی تجدیدپذیر چین یکی از اتاق‌های فکری است که کارکرد سازمان‌های دانش‌گستر را در حوزهٔ صنعت انرژی قابل تجدید بروز می‌دهد. [این مرکز] در سال ۲۰۱۲ در پکن اساس‌گذاری شد و بخشی از برنامهٔ توسعهٔ انرژی تجدیدپذیر چین - دانمارک است. با وجود این‌که حمایت‌کنندهٔ خارجی در قبال مرکز ملی انرژی تجدیدپذیر چین قرار دارد؛ اما این مرکز وابسته به انستیتوت پژوهشی انرژی است که تحت نظر کمیسیون توسعه و اصلاحات ملی کار می‌کند. مرکز ملی انرژی تجدیدپذیر چین در جلدود شش دیپارتمنت و چهل نفر کارمند دارد. مهم‌ترین کارکرد آن پژوهش در مورد پالیسی جامع، استراتژی و برنامه‌ریزی به منظور حمایت از تصمیم‌گیری‌های ملی و منطقه‌ای حکومت است. مدیریت و اجرای پروژه‌های ملی انرژی را به عهده دارد. طرح برنامه‌ها و ارائهٔ پیشنهادها، نظارت و ارزیابی از وظایف عمدهٔ آن به شمار می‌رود. این مرکز تحلیل‌های متخصصان چینی و بین‌المللی را در مورد مقالات مرتبط به خورشید، باد، انرژی زیستی (بیو انرژی) و انواع دیگر موضوعات مرتبط به انرژی تجدیدپذیر در قالب مجلهٔ داخلی (انرژی تجدیدپذیر چین) به نشر می‌رساند.





در جهان مغلق اندیشه‌های چینی، مرکز ملی انرژی تجدیدپذیر چین نمایانگر تحلیل‌های گذشته اتاق‌های فکر است که به صورت چرخشی در پروژه توسعه انرژی تجدیدپذیر در برنامه حکومت دانمارک از ۲۰۰۹ الی ۲۰۱۴ در روشنایی همکاری زیست‌محیطی چین - دانمارک نمود یافته است. برنامه توسعه انرژی تجدیدپذیر از دو بخش تشکیل شده است: تأسیس مرکز ملی انرژی تجدیدپذیر چین به منظور تحلیل از چرایی و چگونگی تبدیل نظام انرژی چین به انرژی سبز و پاک از طریق به‌کارگیری پالیسی‌پژوهی. ایجاد همکاری نهادی و تجاری میان چین و دانمارک به منظور پیگیری و توسعه فناوری انرژی تجدیدپذیر در چین (<http://www.thinkchina.com>). (Ku.dk report, 2014: 6).

با توجه به نفوذ و شهرت بین‌المللی‌اش، مرکز ملی انرژی تجدیدپذیر چین مخالف این نبود که از سوی نظام سیاسی چین به عنوان بخشی از فرایند پالیسی‌سازی آن کشور باشد؛ اما گزارش‌های مرکز ملی انرژی تجدیدپذیر چین نشان داد که بازیگران / منافع عمومی و خصوصی در درون انرژی تجدیدپذیر به عنوان بازیگران دو رگه عمل می‌نمایند و در درون شان رقابت وجود دارد که در قالب اتحادها و ارتباطات تجاری مختلف نمود پیدا می‌کند (<http://www.thinkchina.com>). (china. Ku.dk report, 2014: 20). حکومت چین به دانش روزافزون و ابزارهای فنی نیاز دارد تا بتواند با چالش‌های انرژی تجدیدپذیر روبه‌رو شود؛ چیزی که در گذشته برای برخی‌ها ناشناخته بود. از دو سال پیش زمانی که مرکز ملی انرژی تجدیدپذیر چین راه‌اندازی شده است، در برخی کارکردها و فعالیت‌های خود موفقیت به همراه داشته است که شامل درخواست ارزیابی از سوی اداره ملی انرژی و با حمایت مالی توسعه انرژی تجدیدپذیر، مشارکت قوی در برنامه‌ریزی مانند فراهم‌سازی پیشنهادهای پالیسی‌ساز در جریان تهیه برنامه پنج‌ساله سیزدهم، کارهای حقوقی از طریق ارائه پیشنهاد وضع مقررات جدید، بسط و گسترش جزئیات رهنمود حقوقی و دیگر ابزارهای پالیسی‌سازی مانند فعالیت‌های پژوهشی و ارائه پروژه‌ها بوده است (<http://www.thinkchina.com>). (china. Ku.dk report, 2014: 21).

### ۳-۳. مرکز مبادله اجتماعی<sup>۱</sup> هنگ‌کنگ

این انستیتوت در سال ۲۰۰۰ در هنگ‌کنگ بنا یافت. این نهاد خود را اتاق فکر سیاست‌گذاری عمومی و مستقل تعریف می‌کند. این مرکز به دو زبان چینی و انگلیسی نشریات فراوان داشته

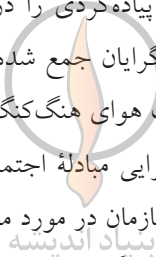
1. Civic Exchange.



است. خبرنگارها، مقالات، کتاب‌ها، جشنواره‌ها و گزارش‌های داخلی از مجموعه نشرات آن هستند. این انستیتوت روی توسعه پایدار در حوزه محیط‌زیست، اقتصاد، مسائل اجتماعی-سیاسی پژوهش می‌نماید. توسعه آموزش‌های مدنی را در همکاری با جامعه مدنی به عنوان هدف اولیه خود در سیاست‌گذاری عمومی در نظر گرفته است.

برنامه‌ریزی اکثریت فعالیت‌های این مرکز مبتنی بر پنج معیار است: اول شناسایی موضوع است و این‌که آیا با تطبیق این پالیسی فاصله زیاد داریم یا خیر؟ دوم جمع‌آوری شواهد مبتنی بر پژوهش که هم جمع‌آوری و هم گسترش دانش به روش مستقل و مبتنی بر مشاهده و فعالیت‌های تحقیقاتی میان‌رشته‌ای لازم دارد. سوم تلاشی است برای شکل‌دهی به مناظره پالیسی‌سازی قبل از آن‌که وارد اجتماع شود. چهارم خلق فعالیت‌های شبکه‌ای در محیط‌های دانشگاهی، سازمان‌های غیرحکومتی و فضای عمومی. پنجم به ظرفیت‌های بالقوه سازمان برمی‌گردد که چگونه می‌تواند بر تغییرات پالیسی تأثیرگذار باشد و به صورت غیر مستقیم با سایر جناح‌های دخیل چگونه کار کند (Civic Exchange Website).

ابتکار پیاده‌گردی ۲۱ هنگ‌کنگ توسط انستیتوت زیست‌محیطی به راه افتاد که این نمونه به خوبی نشان می‌دهد که اتاق‌های فکر چگونه می‌توانند در سیاست‌گذاری عمومی به صورت مستقیم نقش داشته باشند. در سال ۲۰۱۶ انستیتوت مبادله اجتماعی هنگ‌کنگ نخستین کنفرانس آسیایی را در مورد جوامع قابل زیست و پیاده‌گردی را در هنگ‌کنگ برگزار کرد که در آن برنامه‌ریزان، چهره‌های دانشگاهی و توسعه‌گرایان جمع شده بودند. هدف اصلی از این کار آن بود که مردم محلی را به منظور بهبود کیفیت هوای هنگ‌کنگ به پیاده‌گردی تشویق نماید (Kao, 2016a). از دید «یپ یان یان»<sup>۱</sup>، رئیس اجرایی مبادله اجتماعی هنگ‌کنگ، قدرتمندی سازمان بستگی به فعالیت‌های حیاتی دارد که این سازمان در مورد موضوعات درازمدت بازی می‌نماید. او بر این عقیده است که اندیشه‌های هنگ‌کنگ در مقایسه با هم‌قطاران غربی خود در بریتانیا و ایالات متحده هنوز جوان و کم‌تر توسعه‌یافته هستند. هرچند وی در بخش کارکرد این نهادها بیان می‌دارد که برخی از این‌ها به لحاظ کارکردی از قبل قادر بوده‌اند که پژوهش‌های مبتنی بر مشاهده را به پیش ببرند و دانش مهمی را نه تنها برای سیاست‌گذاران بلکه برای عامه مردم به صورت انبوه تولید کنند (Kao, 2016b). با توجه به انستیتوت مبادله اجتماعی، سازمان‌های



1. Yip Yan Yan.

پالیسی‌پژوه در پالیسی‌سازی هنگ‌کنگ مانند احزاب سیاسی نیستند که صرفاً روی موضوعاتی تمرکز کنند که در هفته گذشته بازتاب داشته یا در این هفته و هفته آینده در رسانه‌ها بازتاب وسیع خواهند داشت؛ بلکه بیش‌تر دورنگر هستند (South China Morning Post Online 2016b). آنچه را خانم ییپ بیان داشته است، نه تنها به طور ضمنی موضوع پردازش اتاق‌های فکر به عنوان بازیگران دخیل در سطح نخست فرایند پالیسی‌سازی، تشخیص و شناسایی چالش است؛ بلکه به عنوان سازمان‌های موجد دانش قادر به شکل‌دهی و جهت‌دهی مسیرهای آینده پالیسی و آموزش و آگاهی‌دهی تمام افراد در مورد محیط‌زیست و تغییرات اقلیمی است.

### ۳-۴. بنیاد انرژی چین

بنیاد انرژی چین که قبلاً به نام برنامه انرژی پایدار چین شناخته می‌شد، به لحاظ بودجه‌ای از ۵ میلیون یوان در ۱۹۹۹ به ۲۰۰ میلیون یوان در ۲۰۱۴ افزایش پیدا کرده است. در سال ۲۰۰۹ بنیاد انرژی ایالات متحده برنامه انرژی پایدار چین را با حمایت مالی بنیاد پاکارد<sup>۱</sup> راه‌اندازی کرد که هدف آن حمایت از تلاش‌های چین در راستای افزایش مؤثریت و پیشرفت صنایع انرژی تجدیدپذیر بود. تمویل‌کنندگان کلیدی دیگر این برنامه بنیاد کار اقلیم، بنیاد اوک<sup>۲</sup> و بنیاد استیفتونگ مرکاتور<sup>۳</sup> بودند.

بنیاد انرژی چین در سال ۱۹۹۹ تأسیس شد و به عنوان زیرمجموعه وزارت امور کشور ثبت شد و به عنوان دفتر نمایندگی بنیاد انرژی در پکن تحت نظارت کمیسیون اصلاحات و توسعه ملی قرار گرفت. هدف آن کمک به کارگزاری‌ها، متخصصان و سرمایه‌گذاران چینی خوانده شد که با چالش‌های انرژی مبارزه می‌کردند. عمده‌ترین کمک‌های این نهاد، واحدها و کارگزاری‌های حکومت چین به شمول مرکز پژوهشی توسعه شورای دولت، انستیتوت ملی پژوهش کمیسیون اصلاحات و توسعه ملی و به همین ترتیب دانشگاه‌ها مانند دانشگاه تسینگهوا و دانشگاه پکن و آکادمی علوم چین هستند. این انستیتوت برنامه‌های متنوعی را که مرتبط با انرژی تجدیدپذیر هستند، به پیش می‌برد؛ مانند برنامه بهینه‌سازی برق و برنامه مدیریت محیط‌زیست. بنیاد انرژی چین به صورت ترکیبی و مشترک از متخصصان خارجی (پژوهش‌گران مشهور دانشگاه‌ها و انستیتوت‌های آمریکایی) و متخصصان چینی در قالب شرکای-گفت‌وگو استفاده می‌نماید. این

1. Packard.
2. Oak.
3. Stiftung Mercator.



متخصصان بعضاً حکومتی هستند مانند «فینگ فی»<sup>۱</sup>، مدیرکل دیپارتمنت مرکز پژوهش‌های اقتصادی شورای دولت و دیگر انستیتوت‌ها مانند «لی شون»<sup>۲</sup>، دبیر کل مطالعات شهری جامعه چین. کارگاه‌های این مرکز به صورت منظم برگزار می‌شود که در گزارش‌های خود، روش‌های توسعه با میزان کاربن پایین، حمل و نقل، انرژی تجدیدپذیر، بهینه‌سازی برق، ساختمان‌ها، صنعت، مدیریت زیست‌محیطی و شهرهای پایدار را بازتاب می‌دهد. در میان آخرین بازخوردها، تفاهم‌نامه آکادمی برنامه‌ریزی و دیزاین شهری چین با بنیاد انرژی در مورد ایجاد نشست اندیشکده‌های شهری‌سازی کشور به منظور حمایت از توسعه پایدار در محیط‌های شهری چین بوده است.

### ۳-۵. انستیتوت محیط‌زیست جهانی

انستیتوت محیط‌زیست جهانی خود را یک سازمان غیر انتفاعی و غیر حکومتی می‌خواند که در سال ۲۰۰۴ در پکن تأسیس شد. مهم‌ترین هدف آن طرح و اجرای مدل‌های بازار آزاد در مورد حل و فصل چالش‌های زیست‌محیطی و دستیابی به توسعه پایدار اقتصادی، بوم‌شناختی و اجتماعی است. اهداف انستیتوت محیط‌زیست جهانی را می‌توان به چهار دسته تقسیم کرد: (۱) انرژی و تغییرات اقلیمی؛ به عنوان پالیسی‌های ابزاری و مکانیسم‌های پایدار متناسب با شرایط ملی چین برای توسعه اقتصادی آن کشور با میزان پایین کاربن. (۲) سرمایه‌گذاری، تجارت و محیط‌زیست؛ به منظور تسهیل‌سازی در اجرای پالیسی‌های حکومت در راستای محیط‌زیست و رهنمودهای سرمایه‌گذاری و تجاری آن. (۳) حفظ گونه‌های مختلف زیستی - جانوری؛ به منظور ایجاد توازن میان بهره‌برداری منابع، نگهداری بوم‌شناختی و توسعه جامعه. (۴) ظرفیت‌سازی در قالب حمایت از آموزش، توسعه ظرفیت تدریسی و پژوهشی حزب، تأسیس آکادمی‌های ملی و ایالتی حکومت‌داری در راستای بهبود فهم توسعه پایدار، به دست‌آوردن ظرفیت‌ها برای طرح و اجرای سیاست‌های زیست‌محیطی در میان مقامات عالی‌رتبه تصمیم‌گیر و کارکنان خدمات ملکی. پروژه‌های انستیتوت محیط‌زیست جهانی عمدتاً در خاک چین و جنوب شرقی آسیا (سریلانکا، لائوس و میانمار) اجرا می‌شود. یک استثنا این است که برنامه انرژی و تغییرات اقلیمی میان ایالات متحده و چین که در سال ۲۰۰۹ راه‌اندازی شد، در واشنگتن تطبیق می‌شود.



«وانگ تاوو»<sup>۱</sup>، کارشناس تغییرات اقلیمی که در مرکز تسینگهوا- کارنگی در پکن کار می‌کند، قویاً باورمند است که انستیتوت محیط‌زیست جهانی نقش منحصر به فردی را در مدیریت زیست‌محیطی مخصوصاً در طرح پالیسی بازی می‌نماید. بر اساس تحلیل وی، این موضوع ناشی از این واقعیت است که «جیا جین من»<sup>۲</sup>، مؤسس این انستیتوت و به همین ترتیب خانم لی، مدیرمسئول فعلی این نهاد، از چهره‌های مهم حلقه تصمیم‌گیری چین در حوزه محیط‌زیست و تغییرات اقلیمی به شمار می‌روند (مصاحبه وانگ تاوو با نویسنده، پکن ۲۰۱۳).

به سادگی نمی‌توان انستیتوت محیط‌زیست جهانی را یک سازمان غیر حکومتی تعریف کرد؛ با بودجه عملیاتی نیم میلیون دالر، ترکیب هیأت متخصصان بین‌المللی محیط‌زیست، پروژه‌های مؤثر و برجسته و سازمان‌دهی چرخشی (دورانی) باعث شده است که به سختی بتوان باور کرد که انستیتوت محیط‌زیست جهانی یک سازمان غیر حکومتی چینی و با قدمت دو ساله است (مصاحبه وانگ تاوو با نویسنده، پکن ۲۰۱۳). جیا جین مین در سال ۲۰۰۳ انستیتوت محیط‌زیست جهانی را اساس گذاشت. در همین حال، خانم جیا از قبل مدیر آکادمی پژوهشی علوم زیست‌محیطی چین بود و از تجربه طولانی کار با (داوطلبان قلب سبز) برخوردار بود که در کنار سایر بنیادها مانند «بلو مون فاند»<sup>۳</sup> مستقر در واشنگتن، انستیتوت محیط‌زیست جهانی را بنیاد گذاشت. یکی از مهم‌ترین چالش‌های آینده این نهاد در پالیسی‌سازی، مربوط به هویت این سازمان است.

این چالش واقعی است. اگر شما بخواهید بر پالیسی‌ها تأثیرگذار باشید، شما باید عمیقاً پژوهش کرده باشید تا بتوانید قناعت‌شان را فراهم کنید. بسیاری از متخصصان چینی، برای نهادهای پژوهشی حکومت کار می‌کنند. به عنوان یک سازمان غیر حکومتی ما این قابلیت را نداریم که حکومت را با خود نگهداریم (مصاحبه مسئول برنامه‌های انستیتوت محیط‌زیست جهانی با نویسنده، پکن ۲۰۱۳).

این هویت دو رگه، هنوز به عنوان یک نقطه منفی مورد تعمق قرار نگرفته است و از سوی

1. Wang Tao.
2. Jia Jinman.
3. Blue Moon Fond.



دیگر فعالیتهای آن نمی‌تواند این حقیقت را مخفی نماید که عمده‌ترین فعالیت آن پالیسی پژوهی است که کلیدی‌ترین استراتژی آن‌ها به شمار می‌رود؛ استراتژیی که می‌تواند تعیین‌کننده مرز میان اتاق فکر و یک سازمان غیر حکومتی باشد:

کارهای ما دفاع محض نیست. ما مانند صلح سبز و دیگران دست به تبلیغات نمی‌زنیم. ما در مقیاس کوچک و گروه‌های کوچک‌تر عمل می‌کنیم. ما پالیسی پیشنهادی خود را داریم و شخص هدف را پیدا می‌کنیم و سپس یافته‌های پژوهشی خود را به او تبیین می‌کنیم. من فکر می‌کنم که سازمان‌های غیر حکومتی مانند صلح سبز بیش‌تر روی گسترش آگاهی عمومی کار می‌کنند؛ اما ما فرد معینی را در درون حکومت پیدا می‌کنیم، کسی که پالیسی‌سازی می‌کند یا بتواند تغییرات بیاورد تا بعداً بتوانیم بر او نفوذگذار باشیم (مصاحبه مسئول برنامه‌های انستیتوت محیط‌زیست جهانی با نویسنده، پکن ۲۰۱۳).

علاوه بر این، یکی دیگر از ویژگی‌های سازمان‌های غیر حکومتی، تفاوت در نحوه تمویل آن است که می‌تواند مبین جایگاه سازمان باشد:

از دید حکومت ما به عنوان یک اتاق فکر محسوب می‌شویم؛ اما ما خود را حداقل در روی کاغذ یک سازمان غیر حکومتی تعریف می‌کنیم؛ زیرا هیچ‌گونه کمک مالی از جانب حکومت دریافت نمی‌کنیم، ما با حکومت هیچ‌گونه قراردادی نداریم. ما کاملاً مستقل هستیم و در کنار مسائل مربوط به پالیسی، برخی پروژه‌ها را تطبیق می‌کنیم و این باعث شده است که ما کارکرد شبیه اتاق فکر از خود بروز بدهیم؛ در حالی که خود را به عنوان یک سازمان غیر حکومتی می‌دانیم (مصاحبه مسئول برنامه‌های انستیتوت محیط‌زیست جهانی با نویسنده، پکن ۲۰۱۳).

ناسی ۱۳۹۴

هویت دو رگه انستیتوت محیط‌زیست جهانی به صورت عام قابل‌کاربست در مورد اکثریت سازمان‌های پالیسی‌پژوه است که در چین در حوزه زیست‌محیطی و تغییرات اقلیمی فعالیت دارند. آن‌ها بخشی از یک سناریوی بزرگ‌تر به نام دولت زیست‌محیطی چین هستند. این موضوع از یک‌طرف ناشی از تحولات اقتصادی، سیاسی و اجتماعی دو دهه گذشته است که



بر نحوه مدیریت محیط‌زیست تأثیر گذاشته است و از سوی دیگر نظام مدیریتی چهار لایه در قالب چارچوب ملی - قانونی در چین اعمال شده است که شامل سطوح ملی، ایالتی، شهری - شهرداری و روستایی هستند. بر اساس دیدگاه مول و کارتر، بازیگران اقتصادی داخلی به سختی تعیین‌کننده منافع زیست‌محیطی هستند (Mol and Carter, 2006: 152). هرچند در نبود بازیگران اقتصادی در نوسازی بوم‌شناختی اقتصادی چین سه استثنای عمده وجود دارد. شرکت‌های بزرگ چینی که در بازارهای بین‌المللی فعالیت می‌کنند، صنعت زیست‌محیطی و انستیتوت‌های توسعه و تحقیق (Mol and Carter, 2006: 159). به طور خاص نهادهای پژوهشی و توسعه‌ای که با دانشگاه‌ها و وزارتخانه‌ها مرتبط هستند، به طور روزافزون بر ظواهر مسائل زیست‌محیطی متمرکز شده‌اند و منافع زیست‌محیطی را از چشم‌انداز سیاسی و اقتصادی به خورد نهادهای تصمیم‌گیر می‌دهند (Mol and Carter, 2006: 159). در عین حال، این باور وجود دارد که ماهیت اقتدارگرایانه چین اجازه داده است که برخی فضاها کثرت‌گرایانه وجود داشته باشد و برخی بازیگران زیست‌محیطی غیر دولتی دست به عمل بزنند و سازمان‌های پالیسی‌پژوه زیست‌محیطی قادر به اعمال نفوذ و نقش‌آفرینی در فرایند تصمیم‌گیری‌های زیست‌محیطی هستند.

اخیراً یک کتاب توسط «جودیت شاپیرو» تحت عنوان «چالش‌های زیست‌محیطی چین» به نشر رسیده است که در آن به معمای مشارکت عمومی و جامعه مدنی در راستای مدیریت زیست‌محیطی چین اشاره شده است (Shapiro 2012: 43-53). شاپیرو بر آن است گروه‌های شهروندی (سازمان‌های غیر حکومتی) در چین بازتاب‌دهنده این استدلال گرامشی است که جامعه مدنی اغلباً در معرض نفوذ و رخنه حکومت قرار دارد و از این طریق رضایت آن‌ها را برای فرمانروایی به دست می‌آورد (Shapiro, 2012: 105). در عین حال، محیط‌زیست یک مکان مناسب برای شکوفایی دموکراسی بزرگ‌تر است؛ زیرا برای نظام سیاسی تهدید به شمار نمی‌رود و نسبتاً به سادگی امکان اجماع نظر در مورد شرایط مطلوب حمایت از محیط‌زیست فراهم می‌شود (Shapiro, 2012: 118). در کنار سازمان‌های زیست‌محیطی غیر حکومتی، اتاق‌های فکر زیست‌محیطی چین در حال تبدیل شدن به اجزای مهم مدیریت زیست‌محیطی کشور هستند؛ آن‌ها به طور مدام با سازمان‌های گسترده در دادوستد هستند و از سوی دیگر آن‌ها برای حکومت و ماشین بوروکراسی آن به عنوان منبع ضروری به شمار می‌روند. با وجود این، برخی سازمان‌های پالیسی‌پژوه در ثبت و راجستر خود با چالش‌هایی روبه‌رو می‌شوند و اغلباً به



عنوان سازمان‌های غیر حکومتی ثبت می‌شوند. برخلاف سازمان‌های غیر حکومتی، اتاق‌های فکر زیست‌محیطی متصدی پژوهش و عمدتاً از طرفداران پالیسی‌پژوهی هستند. اگر استراتژی‌شان نگوئیم، عمده‌ترین هدف‌شان خلق نفوذ و تأثیرگذاری در فرایند سیاست‌گذاری است. علاوه بر این، آن‌ها روند ادغامی را در پیش گرفته‌اند تا به بازیگران پرنفوذ در نوسازی بوم‌شناختی در اقتصاد چین تبدیل شوند.

#### ۴. مشارکت اتاق‌های فکر چین در دیپلماسی بین‌المللی

در پیش‌گیری رهیافت دیپلماسی زیست‌محیطی برای چین چالش‌های مختلفی را به همراه داشته است. این مسئله که چگونه از دیپلماسی زیست‌محیطی استفاده صورت بگیرد، همواره با مسئله هویت دوگانه چین گره خورده است. از یک‌طرف چین مانند دیگر کشورهای در حال توسعه با چالش‌های جدی زیست‌محیطی روبه‌رو است و از سوی دیگر این کشور دومین اقتصاد بزرگ دنیا است که به صورت رو به رشد به بازیگر مهم امور بین‌الملل تبدیل می‌شود که به تبع آن مسئولیت‌های زیست‌محیطی این کشور نیز افزایش پیدا می‌کند (Cai and Voigts, 1993: 17-42). با وجود این، طی سال‌های اخیر، نخبگان سیاسی پکن به دنبال شناسایی نیازمندی‌های چین در راستای عبور آن کشور از جایگاه سنتی آن به عنوان کشور در حال توسعه به جامعه بین‌المللی و جهان توسعه‌یافته هستند.

تکوین و رشد جایگاه چین در حوزه محیط‌زیست نخستین بار در کنفرانس کوپنهاگ در سال ۲۰۰۹ محرز شد؛ زمانی که چین به طور آشکارا اعلام کرد که از اصول مسئولیت‌های مشترک اما متفاوت حمایت می‌کند. در این جا نیز موقف چین مبهم و دوپهلوی بود؛ با وجود این که برخی‌ها این رویکرد چین را به معنای آن دانستند که این کشور در زمره جهان توسعه‌یافته قرار گرفته است. کم‌تر از ده سال بعد، در ۲۰۱۶ پس از موافقت‌نامه پاریس، چین و ایالات متحده تصمیم گرفتند که موافقت‌نامه پاریس را تصویب کنند. این موضوع از سوی جامعه بین‌المللی به عنوان نقطه عطف محسوب شد؛ زیرا هر دو کشور قبلاً نسبت به بخشی از این موافقت‌نامه عدم تمایل خود را نشان داده بودند. این موضوع می‌تواند نقطه کلیدی در فهم رویکرد فعال چین در قبال چالش‌های زیست‌محیطی به شمار رود. از سوی دیگر، این اقدام پاسخ مستقیم به کسانی است که فکر می‌کنند چین مسئله در حال توسعه بودن خود را بهانه قرار داده تا از مسئولیت‌های بین‌المللی





خود شانه خالی کند.

چرا این امر ضروری است که ما فعالیت‌های اتاق‌های فکر چین را در حوزه محیط‌زیست و دیپلماسی مسیر دوم مورد توجه قرار دهیم؟ طی سال‌های اخیر، جای دیپلماسی سنتی را نسخه‌های متفاوت آن گرفته است. در این جا دلایل خوبی وجود دارد که باور کنیم دیپلماسی سنتی به دیپلماسی دو رگه با بازیگران متعدد و موضوعات مختلف گذار نموده و این یک فرایند غیر قابل اجتناب است. به همین ترتیب، در این مقاله استدلال شده است که نقش اتاق‌های فکر زیست‌محیطی در چین به صورت قابل ملاحظه رشد یافته است و این امر ناشی از حضور آن‌ها در مدیریت اقلیم جهانی بوده است. این موضوع در فهم ما کمک می‌کند تا بدانیم چین چگونه به گذار جهانی در عرصه دیپلماسی زیست‌محیطی پاسخ داده است. این مقاله متمرکز بر فعالیت‌های اتاق‌های فکر در دیپلماسی مسیر دوم و نشست‌های بین‌المللی است. اکنون برخی از مهم‌ترین ابتکاراتی که طی چند سال اخیر در چین به کار گرفته شده است، به معرفی گرفته می‌شود.

#### ۴-۱. مسیر دوم گفت‌وگوی انرژی چین - آمریکا

مسیر دوم گفت‌وگوهای انرژی چین - آمریکا به عنوان پلاتفورم مسیر دوم دیپلماسی میان دو کشور در سال ۲۰۱۳ به کار خود آغاز کرد. این پلاتفورم متخصصان و کارشناسان دو کشور را از چهره‌های دانشگاهی، اتاق‌های فکر و صنایع گرد هم جمع نمود تا راجع به این موضوع بحث کنند که تغییرات اقلیمی و توسعه انرژی چگونه می‌توانند بر چشم‌انداز انرژی دو کشور نفوذ بگذارد (وب‌سایت کمیته ملی روابط ایالات متحده و چین). سه دور از این گفت‌وگوها به راه افتاده است که اولی در ۲۰۱۳، دومی در ۲۰۱۴ و سومی در ۲۰۱۶. اولین دور این گفت‌وگوها به تاریخ ۱۷ و ۱۸ سپتامبر ۲۰۱۳ در واشنگتن برگزار شد. تمرکز این دور گفت‌وگو روی نفت شیل و رونق‌گازی در شمال آمریکا برای روابط آمریکا-چین بود. انستیتوت‌هایی که از جانب چین در این گفت‌وگو شرکت داشتند، عبارت بودند از انستیتوت اقتصاد انرژی؛ انستیتوت پژوهشی ملی چین در مورد همکاری‌های دریایی، یکی از بزرگ‌ترین کمپانی‌های ملی نفتی چین؛ مرکز چین برای پژوهش‌های اقتصاد ملی از دانشگاه شیامین<sup>۱</sup>، مرکز پژوهش بین‌المللی انرژی از دانشگاه جیاوتونگ<sup>۲</sup> شانگهای و واحد انرژی جهانی از انستیتوت اقتصادیات و سیاست‌های جهانی

1. Xiamen.

2. Jiaotong.



وابسته به انجمن علوم اجتماعی چین. در این نشست‌ها چهار موضوع عمده مورد گفت‌وگو و تحلیل قرار گرفتند؛ ماهیت چرخش نفتی آمریکا و این‌که چگونه می‌توان موفقیت این را در چین بازتولید نمود، رشد مصارف نفتی چین و پیامدهای آن را برای ایالات متحده مورد بررسی قرارداد، این موارد برای دو کشور می‌تواند کدام کاربردهای ژئوپلیتیکی و امنیتی را در پی داشته باشد تا این دو حکومت برای آن آمادگی بگیرند. سند توافقی به زودی پس از برگزاری نشست، به نشر رسید و به دو کشور توصیه کرده بود در ورای این مناظره سیاسی که آیا ایالات متحده به چین انرژی صادر کند یا خیر، حرکت نمایند (CD, 2015: 5). هر دو کشور باید همکاری‌های دوجانبه را در راستای فناوری‌های جدید، اصلاحات داخلی و تجدیدنظر در پالیسی‌های انرژی تقویت کنند.

دومین دور گفت‌وگوها در ۱۱ و ۱۲ سپتامبر ۲۰۱۴ در نیویورک برگزار شد. در این دور، علاوه بر مسئله انرژی و تغییرات اقلیمی، موضوعات دیگری بودند که چین و آمریکا تمایل داشتند روی آن بحث کنند. جدیداً میان روسیه و چین قرارداد گازی ۳۰ ساله به ارزش ۴۰۰ میلیارد دلار آمریکایی به امضا رسیده بود؛ فشار افکار عمومی به خاطر تخریب محیط‌زیست و آلودگی‌ها بر چین افزایش یافته بود؛ مسئله نگران‌کننده دیگر این بود که چین در مصرف انرژی نسبت به آمریکا پیشی گرفته بود و این موضوع به صورت غیر رسمی مبین این واقعیت بود که چین در مقیاس جهانی به بزرگ‌ترین تولیدکننده و مصرف‌کننده انرژی تبدیل می‌شد و به همین ترتیب، بزرگ‌ترین تولیدکننده گازهای گلخانه‌های جهان (وب‌سایت کمیته ملی روابط ایالات متحده و چین، ۲۰۱۴).

سومین دور گفت‌وگوهای مسیر دوم انرژی آمریکا-چین در ششم و هفتم ۲۰۱۶ در نیویورک برگزار شد. در میان مهم‌ترین موضوعاتی که مورد بحث قرار گرفتند، گذار جهانی انرژی و انقلاب انرژی چین مخصوصاً اهداف انرژی‌کی چین در برنامه پنج‌ساله سیزدهم؛ نگرانی‌ها در همکاری‌های دوجانبه اقتصادی، انرژی و داده‌های معیاری‌سازی؛ نقش‌های آمریکا و چین در چارچوب سازمان‌های چندجانبه زیست‌محیطی، ابتکارات به رهبری چین مانند بانک سرمایه‌گذاری زیرساخت‌های آسیایی یا تمویل جاده ابریشم گرفته تا واحدسازی جهانی در گروه بیست را شامل می‌شد. سازمان‌های رسمی که از جانب چین در این نشست شرکت کرده بودند، عبارت بودند از کمیته سرمایه‌گذاری انرژی چین و مرکز پژوهشی بین‌المللی دانشگاه



جیاوتونگ شانگهای. اولی یک مرکز پژوهشی دانشگاهی است و دومی خود را یک سازمان پژوهشی اجتماعی - غیر حکومتی و غیر انتفاعی تعریف می‌کند. این نهاد هم‌چنان به عنوان یک اتاق فکر استراتژیک در پژوهش‌های راهبردی انرژی، دیپلماسی عمومی و به همین ترتیب در همکاری‌های جهانی انرژی و مبادلات فرهنگی فعالیت می‌کند (وبسایت کمیته سرمایه‌گذاری انرژی چین). کمیته سرمایه‌گذاری انرژی چین در هنگ‌کنگ به عنوان یک سازمان غیر حکومتی ثبت شده است که توسط کمپانی سرمایه‌گذاری انرژی، یک کمپانی خصوصی انرژی چینی، که یکی از بزرگ‌ترین کمپانی‌های تجاری چین است، تمویل می‌شود.

#### ۴-۲. مرکز پژوهشی انرژی پاک آمریکا - چین

مرکز پژوهشی انرژی پاک آمریکا - چین پس از سی سال همکاری میان آمریکا و چین در عرصه علوم و فناوری، در سال ۲۰۰۹ ایجاد شد. ابتکارات مرکز پژوهشی انرژی پاک نسبت به گفت‌وگوهای مسیر دوم انرژی آمریکا - چین متفاوت است که در آن بازیگران دولتی و غیر دولتی دو طرف دخیل هستند؛ بنابراین دلیل می‌توان این طرح را گفت‌وگوی مسیر یک و نیم یا به طور معمول دیپلماسی دو رگه خطاب کرد. به طور خاص، ساختار مدیریتی مرکز پژوهشی انرژی پاک توسط کمیته‌هایی ریاست می‌شود که متشکل از وزارتخانه‌های آمریکا و چین هستند. دبیرخانه‌های چینی و آمریکایی مرکز پژوهش انرژی پاک توسط مقامات حکومتی رهبری می‌شوند. پس از دبیرخانه‌ها، پنج کنسرسیوم قرار دارد که در هر دو طرف در بخش‌های مختلف پنج‌گانه فعالیت دارند؛ زغال‌سنگ و فناوری، انرژی، ماشین‌آلات پاک، فناوری‌های آب و انرژی، موثرهای باربری متوسط و سنگین. هدایت کنسرسیوم چینی به عهده پژوهش‌گران و چهره‌های علمی هستند که در دانشگاه‌های مختلف مانند تسینگهوا فعالیت دارند و هم‌چنان کارشناسان وابسته به مراکز پژوهشی مانند انستیتوت چین برای منابع آبی و پژوهش‌های برق آبی، اتاق فکر که در سال ۱۹۵۸ در پکن تأسیس شد، در رأس این کنسرسیوم قرار دارند. با وجود این، حقیقت این است که این ابتکار از سوی حکومت‌های ایالات متحده و چین به منظور توسعه راه‌حل‌ها در زمینه انرژی پاک روی دست گرفته شد. مرکز پژوهشی انرژی پاک در پیشبرد استراتژی‌ها و انجام پژوهش‌ها و تولید دانش فوق‌العاده فعال بوده است.

برخلاف سایر همکاری‌های دوجانبه پژوهشی و توسعه‌ای که بیش‌تر متمرکز بر کارگاه‌ها و مبادله تجارب شخصی هستند، مرکز پژوهشی انرژی



پاک به صورت واقعی تسهیل‌بخش تشریک مساعی میان پژوهش‌گران است و آن‌ها را ملزم می‌کند که برنامه‌های مشترک خود را توسعه ببخشند و پژوهش‌هایی را در مشورت باهم به پیش ببرند. با تعمیق روابط میان پژوهش‌گران پیشتان، مرکز پژوهشی انرژی پاک به صورت تدریجی در سطوح چندگانه اعتمادسازی نموده و باعث تحکیم روابط همکاری‌جویانه میان دو کشور شده و در حوزه‌های بزرگ‌تر دیپلماسی نفوذ نموده چنان‌که طی سال‌های اخیر در چندین اعلامیهٔ سطوح عالیۀ دو کشور بازتاب یافته است (گزارش سالانۀ مرکز پژوهشی انرژی پاک، ۲۰۱۵-۲۰۱۴).

پس از روی دست‌گرفتن ابتکارات مرکز پژوهشی انرژی پاک، بازخوردهای مؤثری به دست آمده است که هردو کشور به اهمیت و ارزش این برنامه‌ها اذعان کرده‌اند. در اعلامیهٔ مشترک دو طرف در سال ۲۰۱۴ به تجدید تعهدات دو طرف تا سال ۲۰۲۰ تأکید شده بود و هردو طرف تمایل نشان داده بودند که برنامه‌های خود را در قالب کنوانسیون سازمان ملل متحد در مورد تغییرات اقلیمی، استوار بسازند (گزارش سالانۀ مرکز پژوهشی انرژی پاک، ۲۰۱۵-۲۰۱۴). مرکز پژوهشی انرژی پاک از زمان تأسیس در ۲۰۰۹ هفت پی‌آیند عمدهٔ دوجانبه در حوزهٔ دیپلماتیک داشته است و در حوزهٔ علمی و فناوری در سرانجام رسانیدن ۴۴ برنامهٔ پژوهشی نقش داشته است. در ایالات متحده به تعداد ۵۴ شریک (مرکز پژوهشی، دانشگاه‌ها و اتاق‌های فکر) در پروژه دخیل بوده‌اند؛ در حالی که شرکای چینی آن به ۱۱۰ همکار می‌رسیده است.

## نتیجه‌گیری

این مقاله به صورت عام، اتاق‌های فکر زیست‌محیطی چین معاصر را مورد تحلیل قرار داد. هم‌چنان روی این موضوع بحث شد که عمده‌ترین نهاد‌های فعال در این حوزه چگونه تأسیس شدند و اصول فعالیت‌های جاری آن‌ها چگونه است. مقصد اصلی این بود که استدلال شود که با اهمیت یافتن جایگاه روزافزون چین، به‌کارگیری دیپلماسی زیست‌محیطی در سال‌های اخیر یکی از پیامدهای آن بوده است. اگر نگوییم که اتاق‌های فکر از بازیگران الزامی حکومت چین در مواجهه با تحولات عرصهٔ جهانی بوده است، می‌توان آن‌ها را به عنوان بازیگرانی یاد کرد که نقش حیاتی داشته‌اند. برخلاف گذشته، دیپلماسی زیست‌محیطی را می‌توان، به عنوان مثال، برای



بنیاد اندیشه



گذار از دیپلماسی سنتی به دیپلماسی دو رگه یاد کرد که در آن بازیگران چندگانه و موضوعات مختلفی دخیل هستند. قابل یادآوری است که در درون چنین چارچوبی، برخی شبکه‌ها روی مشارکت تأکید دارند و این به معنای آن است که تمرکز ما هم روی مؤلفه مشارکت به عنوان عنصر مرکزی در مکانیسم مدیریت اقلیمی جهان باشد (Blaxejaer, 2016: 55).

در نتیجه، می‌توان دو طرح ابتکاری را بیان کرد که چین طی سال‌های اخیر در حوزه دیپلماسی زیست‌محیطی به صورت فعال در آن نقش داشته است: گفت‌گوی مسیر دوم انرژی آمریکا-چین و مرکز پژوهشی انرژی پاک ایالات متحده و چین. این دو طرح برای آمریکا و چین اجازه می‌دهد که مشارکت‌شان را از طریق اعتمادسازی و اجرای فعالیت‌های توسعه‌ای و پژوهشی که در آن به چین به عنوان ملت تازه به دوران رسیده نگاه می‌شود، در مدیریت اقتصادی جهان افزایش دهند. چین از طریق پذیرش بازیگری مسئول در قبال رسیدگی به چالش‌های زیست‌محیطی و تغییرات اقلیمی، چهره بین‌المللی خود را متحول کرده است. تعداد زیادی از اتاق‌های فکر چین و سازمان‌های تحقیقاتی در این دو طرح دخیل هستند. برای فهم و درک بهتر در مورد نقش سازمان‌های پالیسی‌پژوه در دیپلماسی زیست‌محیطی چین باید ادعان کنیم که چنین نهادهایی در چین توسعه یافته‌اند.

اتاق‌های فکر چین در شکل‌دهی و راه‌اندازی گفتمان‌ها حول مسائل زیست‌محیطی، به عنوان منابع بسیار ارزشمند، عمل کرده‌اند. علاوه بر این، اتاق‌های فکر در حوزه‌های مختلفی فعالیت می‌کنند و حتی به طور سنتی نقش سازمان‌های زیست‌محیطی غیر حکومتی را بازی کرده؛ چنان‌که در یک دهه گذشته به عنوان ابزار اساسی در راستای حل چالش‌های مرتبط به محیط‌زیست کاربرد داشته‌اند. سازمان‌های زیست‌محیطی غیر حکومتی چین به طور خاص در حل چالش‌های اقلیمی در سطح داخلی دخیل بوده‌اند. هم‌چنان اتاق‌های فکر زیست‌محیطی، سازمان‌های پالیسی‌پژوه و مراکز تحقیقاتی دانشگاهی در مدیریت اقلیم جهانی و دیپلماسی به صورت روزافزون نقش فعال در پیش گرفته‌اند. در نهایت، می‌توان گفت که اتاق‌های فکر زیست‌محیطی در حوزه دیپلماسی زیست‌محیطی چین تحول عظیم را رقم زده‌اند. آن‌ها چالش‌هایی را که در عرصه دیپلماسی زیست‌محیطی وجود دارد، بروز می‌دهند. به طور مثال: آن‌ها از مشکلات مدیریت چندسطحی محیط‌زیست پرده برمی‌دارند و به همین ترتیب تأکید می‌کنند که چین عصر گذار را به پشت سر نهاده و هویت جدیدی را در عرصه مدیریت اقلیمی جهان به خود اختصاص داده است.



1. Beeson, M. (2010), The Coming of Environmental Authoritarianism. *Environmental Politics* 19 (2).
2. Blaxekjær, Lau Øfjord (2016), New Practices and Narratives of Environmental Diplomacy. In *Environment, Climate Change and International Relations*, ed. Gustavo Sosa-Nunez and Ed Atkins. Bristol: E-International Relations Publishing.
3. Bohmelt, Tobias (2014), Political Opportunity Structures in Dictatorships? Explaining ENGO Existence in Autocratic Regimes. *Journal of Environment & Development* 23 (4).
4. Cai, Shaoqu, and Mark Voigts (1993), The Development of China's Environmental Diplomacy. *Pacific Rim Law and Policy Journal* 3.
5. Campbell, John L. and Ove K. Pedersen (2010), Knowledge Regimes and Comparative-Political Economy. In *Ideas and Politics in Social Science Research*, ed. Daniel Beland and Robert Henry Cox. New York: Oxford University Press.
6. China Daily Online (2007), Ecological Civilization. *China Daily*. <http://www.chinadaily.com.cn/opinion/200710/24/content6201964.htm>
7. China Development Brief (2013), The Diversification of Public Advocacy in China. <http://chinadevelopmentbrief.cn/publications/cdb-special-report-diversification-public-advocacy-china-march-2013>.
8. Delman, Jorgen (2014), The Danish RED Program and China National Renewable Energy Centre (CNREC). Final Technical Review. <http://www.thinkchina.ku.dk/publications/successful-sino-danish-collaboration-promotes-re-policy-research-in-china>.
9. Depuits, Emilie (2016), Actors Other than the States: Role of Civil Society and NGOs as Drivers of Change. In *Environment, Climate Change and International Relations*, ed. Gustavo Sosa-Nunez and Ed Atkins. Bristol: E-International Relations Publishing.
10. Eaton, S., and G. Kostka (2014), Authoritarian Environmentalism Undermined? Local leaders' Time Horizon and Environmental Policy Implementation in China. *The China Quarterly* 218.
11. Economy, Elizabeth (1997), Chinese Policy-Making and Global Climate Change: Two Front Diplomacy and the International Community. In *The Internationalization of Environmental Protection*, ed. Miranda A. Schreurs and Elizabeth Economy. Cambridge: Cambridge University Press.
12. Gilley, B. (2012), Authoritarian Environmentalism and China's Response to Climate Change. *Environmental Governance* 21 (2).
13. Haas, Peter M. (1992), Introduction: Epistemic Communities and International Policy Coordination. *International Organization* 46 (1).
14. Jia, Xiajin (2011), The Development and Institutional Environment of Non-Governmental Think Tanks in China. In *NGOs in China and Europe*, ed. Li Yuwen, Abingdon: Routledge.
15. Kao, Ernest (2016a), pedestrian First: Hong Kong Think Tank Civic Exchange plans Meeting to Encourage the Humble Art of Walking. *South China Morning Post*. <http://www.scmp.com>.



- com/news/hong-kong /health environment/article/1913737/pedestrian-first-hong-kong-think-tank civic.
16. Kao, Ernest (2016b), Think Tanks in Hong Kong Have a Vital Role to Play in Examining Long Term Issues, Says Civic Exchange Chief. South China Morning Post. <http://www.scmp.com/news/hong-kong/politics/article/1871233/think-tanks-hong-kong-have-vital-role-play-examining-long>.
  17. Li, Bingqin (2013), Governing Urban Climate Change Adaptation in China. *Environment and Urbanization* 25 (2).
  18. Liu, Qin, and Tang Damin (2017), AIIB Plans to “Conditionally” Support Coal Power. *China Dialogue*. <https://www.chinadialogue.net/article/show/single/en/9648-AIIB-plans-to-conditionally-support-coal-power>.
  19. Lu, Yiyi (2007), Environmental Civil Society and Governance in China. *International Journal of Environmental Studies* 64 (1).
  20. Meng, Si (2012), an Insight into the Green Vocabulary of the Chinese Communist Party. *China Dialogue*. <https://www.chinadialogue.net/article/show/single/en/5339>.
  21. Mol, A.P.J., and N.T. Carter (2006), China’s Environmental Model in Transition. *Environmental Governance* 15 (2).
  22. NCUSCR Website (2014), 2014 U.S.-China Track Two Energy Dialogue. National Committee on US-China Relations. <https://www.ncuscr.org/content/2014-us-china-track-ii-energy-dialogue>.
  23. Schroeder, Patrick (2015), Public Participation in Low-Carbon Policies: Climate Change and Sustainable Lifestyle Movements. In *Civil Society Contributions to Policy Innovation in the PR China: Environment, Social Development and International Cooperation*, ed. Andreas Fulda. London: Palgrave Macmillan.
  24. Shapiro, Judith (2012), *China’s Environmental Challenges*. Cambridge: Polity Press.
  25. Sun, Yixian (2016), The Changing Role of China in Global Environmental Governance. *Rising Powers Quarterly* 1 (1).
  26. Wang, Chunfeng (2014), Why China Will Fight for a Global Climate Deal Next Year. *China Dialogue*. <https://www.chinadialogue.net/article/show/single/en/6957-Why-China-will-fight-for-a-global-climate-deal-next-year>.
  27. Woo, Wing Thye (2009), Assessing China’s Capability to Manage the High-Probability Risks to Economic Growth: Fiscal, Governance and Ecological Problems. In *Power and Sustainability of the Chinese State*, ed. Keun Lee, Joon-Han Kim, and Wing Thye Woo. Abingdon: Routledge.
  28. Wubbeke, Jost (2013), China’s Climate Change Experts Community – Principles, Mechanism and Influence. *Journal of Contemporary China* 22 (82).
  29. Yang, D. (2011), *The China Environmental Yearbook Volume 5. State of Change: Environmental Governance and Citizens Rights*. Beijing: Brill.
  30. Zhang, Lei, Guizhen He, and Arthur P.J. Mol. 2013. Power Politics in the Revision of China’s Environmental Protection Law. *Environmental Politics* 22 (6).

